

سیده زهرا

موسوی*

بررسی تطبیقی وضو در فقه شیعه و اهل سنت

چکیده

موضوع مورد پژوهش «بررسی تطبیقی وضو در مذاهب اسلامی اهل سنت و اهل تشیع» هدف از آن، بررسی و آشنایی با آیه وضو و تفاوت‌های مذاهب اسلامی در این باب با استناد به قرآن و احادیث آورده شده است.

به این منظور، ابتدا در بخش اول به معنا شناسی وضو در فقه امامیه (لغوی به معنای پاکیزگی از حدث و در اصطلاح به شستن صورت و دسخت‌ها به طرز مقرر شرع) و در فقه اهل سنت (لغوی به معنای نظافت و حسن و در اصطلاح شستن صورت و دست‌ها با نیت و مسح کشیدن سر و شستن پاها) و فواید و فلسفه وضو در فقه امامیه (دوری از آلودگی و نجاسات، رشد روحی و... و پاکیزه نمودن چهار عضو و...) فواید وضو اهل سنت (آسایش و راحت و شرف و فضل بر دیگر جانوران) و تاریخچه به وجود آمدن اختلاف در وضو که از زمان خلیفه سوم (عثمان) آغاز شده و بخش دوم به واجبات و احکام وضو (نیت، شستن صورت، شستن دست‌ها، مسح سر، مسح یا شستن پاها، ترتیب، موالات) در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت با تفسیر آیه وضو و در بخش سوم به اسباب و وجوب وضو با حالت‌های (شرط صحت عمل، شرط جواز عمل و حرام نبودن و شرط کمال) با نتیجه تطبیق مشترکات اسباب وجوب در مذاهب اسلامی

* دانش‌آموخته مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

(نمازهای واجب و مستحب و طواف خانه خدا و دست کشیدن بر قرآن)، آداب وضو در فقه امامیه (بسم الله، استعاذه، شستن دست ها قبل از وضو، دو بار شستن صورت و دست ها و...) و در فقه اهل سنت (بسم الله، سه بار شستن هر یک از اعضای وضو، موی سر را با انگشتان دست و پای خلال کنی و...) و در بخش چهارم به شرایط وضو (آب و ظرف وضو، اعضای وضو، کیفیت وضو، وضو گیرنده) در فقه امامیه و اهل سنت و در بخش انتهایی به نواقض وضو (بول، غائط، باد معده و روده، مذی، ودی، امور زایل کننده عقل، منی، خون استحاضه قلیله، خواب غالب بر چشم و گوش و...) در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت پرداخته شده است. لذا چون کار تطبیقی است، ابتدا نظرات امامیه و سپس اهل سنت و در انتها، نتیجه از دو بحث بیان شده است.

واژگان کلیدی: وضو، شیعه، اهل سنت، شرایط، اسباب و نواقض وضو.

طرح بحث

یکی از اختلافات و گوناگونی هایی که به عنوان مقدمه واجب رکن و ستون دین نماز شناخته می شود، مسأله وضو در بین مذاهب اسلامی است. وضو از عبادت هایی مختص رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم یا زمان خاصی نیست، بلکه عبادت همگانی و همیشگی بوده که آن حضرت، در مدت ۲۳ سال رسالت خود، در محضر و برابر دیدگان مسلمانان انجام می داده و در مقابل تعلیم و تربیت و بیان عملی و قولی احکام اسلام، برای مسلمانان از هیچ تلاشی و کوششی کوتاهی نکرده است. مسلمانان هم در افعال عبادی شان آن حضرت را اسوه و الگو قرار داده، می کوشیدند، افعالشان را بر اعمال آن حضرت منطبق کنند. زیرا وضوی آن حضرت، همانی است که قرآن بیان نموده و جبرئیل در اول بعثت، وضو را به رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم تعلیم داد و در ادامه نزولش، همان را برای این که تثبیت شود، به صورت قرآن بر آن حضرت نازل کرد. ائمه اهل بیت با حساسیت تمام، در صدد بیان وضوی رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم از طریق کتاب الهی و سنت نبوی بوده اند.



نخستین نگرش و نگاهی که هر ناظر تیزبین و هوشیار را به تفکر وا می‌دارد، علی‌رغم این که در بین مسلمانان فراگیر شده، تفاوت‌هایی است که در اعمال و عبادات شرعی میان مذهب اهل بیت و پیروان دیگر مذاهب اسلامی مشاهده می‌شود. آنان به‌رغم آن که جملگی در باور به حقیقت وحی و اسلام هم‌سویند، و به‌سوی یک‌قبیله‌نماز می‌گذارند و بر‌گردن‌ماز توحید به یک‌سمت می‌چرخند و در انبوهی از مسایل، سلوک یکسان دارند، لیکن اختلاف و تفاوت در چندی از باورها و رفتارها به‌حدی هست که بتوان هویت متمایز آن‌ها را در کنار اصالت مشترک گواه‌گشت. همان‌قدر که صحنه‌های وحدت و یک‌رنگی شور‌آفرین است، مظاهر اختلاف و گوناگونی تامل‌برانگیز.

متأسفانه یکی از این اختلافات و تفاوت‌هایی که در زمان خلیفه سوم در مذاهب اسلامی ایجاد شده، همین مسأله وضو است. با تمام‌اهمیتی که دارد و با توجه به مسایل روز دنیا و روی‌آوردن دیگر ادیان به دین مقدس اسلام. در پی موج‌عظیم‌بیداری اسلامی جهت وحدت و یک‌پارچگی در بین مذاهب اسلامی و نیل به هدف واحد و عمل به فرمایشات صریح آیات کتاب مقدس آسمانی مسلمانان و جلوگیری از فتوای به‌رای در بسیاری از احکام اسلامی، به‌خصوص در امر وضو به‌عنوان مقدمه نماز و برای نگرش مثبت دیگر ادیان از دین اسلام و مایوس‌کردن دشمنان در ناکام‌گذاشتن اهداف پلیدشان.

پس در این مجموعه سعی بر آن شده تا به مختصری از تفاوت‌های بین مذاهب اسلامی در این مسأله پرداخته شود. در این تحقیق، در ابتدا تعریف و مفهوم اجمالی و فلسفه وضو گرفتن از دیدگاه تفاسیر و روایات، بیان شده در ادامه به تاریخچه، اختلاف‌ها و تفاوت‌های وضو به وجود آمده پرداخته و به تفسیر آیه وضو در قالب واجبات و چگونگی وضو، و به اسباب واجب شدن وضو می‌پردازد. انجام و به‌جا آوردن چه چیزهایی موجب می‌شود وضو واجب شود و آداب به‌جا آوردن این فریضه الهی و شرایط انجام آن، وضو به‌عنوان امری الهی و آن‌چه باعث نقض شدن و باطل



شدن این واجب می شود.

تمامی این فصول از دیدگاه مذاهب اسلامی، به طور جداگانه پرداخته شده و در پایان نتیجه گیری و تطبیق هر مبحث انجام شده است و آن چه در این پژوهش انجام شده، پرداختن اختصاصی به یکی از احکام عبادات و بررسی دقیق و همه جانبه آن عبادت در بین مذاهب مختلف اسلامی که شامل مذهب تشیع و مذاهب چهارگانه اهل سنت شود، از دیدگاه تفاسیر و آیات و روایات و فتاوی فقهای مربوط به هر مذهب نگریسته و به اشتراکات و نقطه نظرات و اختلاف نظرات هر بحث، به طور جداگانه انجام و به صورت تطبیقی دنبال شده است.

اما مجموعه کتب مورد بررسی و پژوهش، مبحث وضو را که یکی از مباحث مهم احکامی است، به صورت مختصر، دیدگاه های شیعه و اهل سنت پرداخته و به بررسی همه جانبه این موضوع مهم پرداخته نشده و مخصوصاً کتب و تفاسیر اهل سنت تنها به جنبه های محدود وضو پرداخته و بیشتر کتب عربی یا به صورت نثر کهن نگارش شده است که کار را عملاً برای خواننده دشوار کرده است.

تعریف وضو در فقه امامیه:

وضو در لغت: الف) با ضمه واو، اسم مصدر است و مصدر آن «وضو» بر وزن تعلم است. ب) وضو با فتحه واو، آبی است که با آن وضو گرفته می شود. (جبران، الرائد، انزایی نژاد ج ۲، ص ۱۸۷۶)

ج) ریشه لغوی وضو «وضاء» است که به معنای پاکیزگی از حدث و روشن شدن باطن انسان از تاریکی گناهان می باشد. (ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۴۳۰۰)

و در اصطلاح: شستن صورت و دست ها به طرز مقرر شرع، پیش از نماز است. (مدرس، تفسیر هدایت، آیتی، ج ۲، ص ۲۷۱). شرط است که پیش از راز و نیاز کردن با خدا، در مراسم عبادت، آدمی خود را با آب پاکیزه سازد. یعنی صورت خود را بشویید و مراد از صورت، آن مقداری است که عرفاً آن را صورت می گویند و فقها حد آن را فاصله میان رستنگاه موی سر، تا پایان چانه از جهت



طول و آن مقدار که میان انگشت شصت و انگشت وسطی قرار می گیرد از جهت عرض، معین کرده اند. و اما دست، معمولاً به هر جزئی از عضو مشهور اطلاق می گردد. از این رو قرآن، مقداری که باید شسته شود را معین کرده است، از آرنج تا سر انگشتان. (همان)

وضو یعنی پاکسازی جسم و جان و آن چه باعث «طبیات روح» می شود و آن چه باعث پاکیزگی جان انسان می گردد. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه ج ۴، ص ۲۸۶)

قرآن، تنها کتاب و منبعی است که از هر گونه تحریف و باطل در تمام مراحل تلقی، تبلیغ و بقا و استمرار خود محفوظ، مصون و از طرف خداوند تضمین شده است. (ر.ک: فصلت، ۴۲؛ حجر، ۹؛ اسراء، ۱۰۵). اعتبار و حجیت سنت هم به تأیید قرآن بستگی دارد. پس به بررسی آیه وضو می پردازیم. زیرا وضو مقدمه واجب نماز است و اگر موافق با قرآن بود، قبول نموده و عمل می کنیم و چنان چه مخالف با آن بود، هیچ ارزشی ندارد. زیرا فریقین از رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) نقل کرده اند که: «روایات من را به قرآن عرضه کنید، اگر با قرآن مخالف نبود، از من است و قبول کنید و اگر مخالف بود، از من نیست، من نگفته ام.» (ر.ک: فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۱، ص ۱۶۶؛ ر.ک: کلینی، اصول کافی، مصطفوی ج ۵، ص ۴۲۳)

تعریف وضو در مذاهب اهل سنت: وضو در لغت، اسم مصدر است. فعل آن «توضأ»، مصدرش «التوضؤ» است. یا «وَضُوءٌ» و مصدرش «وَضَّاهُ» می باشد. پس وضو در لغت، اسم است برای نظافت و حسن. (ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۷۹)

وضو از «وَضَّاهُ» گرفته شده که به معنای نورانی، زیبایی و نظافت است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۹۴)

در اصطلاح: وضو شستن روی و صورت و دست ها با نیت و دست ها را تا مرفق و مسح کشیدن بر سر خود و شستن پاها تا دو کعب و اگر موزه یا کفش پوشیده باشید، مسح کنید بر موزه یا کفش. (ر.ک: اسفراینی، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم ج ۲، ص ۵۶۳)



وضو متضمن معنای نظافت است. فقط در زیبایی های اعضای انسان از قبیل صورت و... به کار می رود.

آغازگر اختلاف: از همه این احادیث و قول ها، به روشنی بر می آید که آغازگر اختلاف، خود خلیفه بوده است نه مردم. بر اساس این شواهد که در ابتدا خود خلیفه به مردم اجازه داد تا داخل شوند و وضویش را ببینند. (زبیدی، تاج العروس، ج ۴، ص ۱۹۴، ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۹) دیگر این که از روایت دارقطنی استفاده می شود که وضوی ایشان جدید بوده است. زیرا اگر خلیفه همانند رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) وضو می گرفت، باید خدا را شکر می کرد. الحمدلله، شما هم یادتان نرفته است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) این گونه وضو می گرفت و الحمدلله که با وضوی رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) موافق هستید نه این که بگویند الحمدلله که با من در این وضو موافقت کردید. (طاهری، وضوی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و اله وسلم)، ص ۵۲) و این که می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) مثل من وضو می گرفت و نمی گوید من، مثل ایشان وضو می گیرم.

دلیل آخری که می توان بیان کرد این که، اگر وضوی خلیفه، اصالت داشت و همانند رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) بود، وی باید در مقابل مردم و این بدعت گذاران حالت تهاجمی می گرفت و با تمام نیرو، جلوی این اختلاف را سد می کرد و آنان را حداقل به مسلمانان معرفی می نمود که: ایها المسلمون! این ها علیه رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) حدیث جعل می کنند و با وضویی نماز می خوانند که در اسلام سابقه ندارد، در حالی که یکی از وظایف مهم، حاکم و خلیفه مسلمانان جلوگیری از فساد و امور مفسده انگیز است. (همان، ص ۵۳)

پس از این که خلیفه، در مقابل احادیث مردم، حالت تدافعی گرفته، با تجاهر و بی تفاوتی از کنارش می گذرد، معلوم می شود که وضوی مردم اصالت داشته و همان وضوی رسول خدا (صلی



امام علی (علیه السلام) در دوران خلافت خویش کوشید با هر چه در توان دارد، وضوی صحیح را بیان کند. خواه با نقل روایت بیان وضو، خواه با انجام وضو و خواه در نامه به کارگزاران خویش در شهرها و سرزمین ها. اما با این همه روایت های او درباره وضو، نتوانست به شمار روایت هایی برسد که عثمان در این باب از طرف خود نقل کرده بود. (شهرستانی، وضوی پیامبر(صلی الله وعلیه واله وسلم)، صابری، ص ۶۹)

در نتیجه، وضویی که آیه صریح قرآن و سفارش روایات ائمه اهل بیت: بود، تحریف کردند و امروزه مذاهب اهل سنت، وضوی پایه گذاری شده توسط خلیفه سوم، عثمان را به جا می آورند.

واجبات و احکام وضو در فقه امامیه:

دین اسلام علاوه بر آن که نظافت و تمیزی را از ایمان برشمرده و پیروان خود را به تمیز نگه داشتن بدن، لباس و محیط زندگی دعوت می کنند. برای برخی کارها علاوه بر نظافت، طهارت را شرط می داند. طهارت در فرهنگ فقهی دو جنبه دارد: ظاهری و باطنی.

طهارت ظاهری، پاک بودن بدن، لباس، خوراک و نوشیدنی از آلودگی ها و نجاسات است و طهارت باطنی، با انجام دادن برخی اعمال به دست می آید. از جمله آن اعمال، وضو است. (فلاح زاده، احکام فقهی، ص ۶۸)

حال به چگونگی انجام این عمل عبادی از دیدگاه فقهای شیعه و مفسرین شیعه می پردازیم.
نیت: امامیه معتقدند: نیت یعنی قصد انجام فعل به انگیزه اطاعت و امتثال امر الهی، در وضو واجب است و ریا و عدم خلوص، مبطل وضو می باشد. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۰۰)

در آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ

امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (مائده، آیات ۶-۵)



یعنی: «ای گروه مومنان! آن گاه که اراده نماز کردید و با طهارت بودید، بشوید صورت و دست هایتان را تا آرنج و مسح کنید سر و پاهایتان را تا برجستگی روی پاها»
 پس وقتی که خداوند تعالی این اعمال را جهت نماز دستور داده است، به ناچار نیت در وضو لازم است چون جز از راه نیت نمی توان به نماز توجه کرد.

و همچنین خداوند در قرآن می فرماید: «و ما أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» یعنی: «مامور نبودند مگر خدا را به اخلاص کامل در دین پرستش کنند»

بدیهی است که اخلاص در دین جز از راه نیت امکان پذیر نیست و بی تردید وضو هم یکی از احکام دینی است. چون فقها اجماع دارند که وضو یکی از عبادات است. (ابن زهره، فقه استدلالی، انجوی نژاد، ص ۵۰).

شستن صورت: صاحب المیزان معتقدند در آیه «فاغسلوا وجوهکم و...» کلمه غسل به فتح غین به معنای عبور دادن آب بر جسم است و غالباً به منظور تنظیف و پاک کردن چرک و کثافات از آن جسم صورت می گیرد و کلمه وجه به معنای روی و ظاهر سمت مقابل هر چیز است. لیکن در غالب موارد در چهره و صورت آدمی و یا به عبارتی سمت جلو سر انسان استعمال می شود. آن سمتی که چشم و بینی و دهان در آن سمت است. این همان معنای وجه است. (طباطبایی، المیزان، موسوی همدانی، ج ۵، ص ۳۵۷)

در آیه حدود صورت که باید در وضو شسته شود، توضیح داده نشده، ولی در روایات ائمه اهل بیت که وضوی پیامبر را مشروحاً بیان کرده اند. به این صورت که: یک بار شستن صورت که حد آن از رستنگاه موی سر تا آخر چانه (در طول) و به اندازه پهنای میان انگشت شصت و میانه (در عرض) واجب است. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸۶) و همچنین فقها معتقدند که: شستن صورت از بالا واجب و بر عکس آن جایز نیست و وضو باطل است. (مغنیه، فقه تطبیقی،



پورجوادی، ص ۳۹) سید مرتضی از فقهای امامیه، شستن به عکس را مکروه می‌شمرد. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقها ج ۱، ص ۱۵۷-۱۵۶)

زراره در خبری که گویا بر حسب ظاهر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده، می‌گوید: مرا خبر دهید از حد صورت که شایسته است در وضو شسته شود. آن مقداری که خدا امر فرموده، گفت: حد صورت که خدا شستنش را امر نموده و کسی را نسزد بر آن بیفزاید یا از آن بکاهد، اگر بر او افزود اجری ندارد و اگر ناقص نمود، گنهکار است؛ آن مقداری است که انگشت اشاره و میانه و ابهام از رستنگاه مو تا چانه را دور زند و آن مقداری است که غالباً دو انگشت دایره وار آن را فرا می‌گیرد و این صورت است. و جز آن از صورت نیست. پرسیدم: گنجگاه جز صورت نیست؟ گفت: نه. (ر.ک: مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۸۰)

شستن دست‌ها: امامیه معتقدند: شستن دست‌ها از آرنج تا سر انگشتان همراه با خود آرنج، واجب است و همچنین تقدیم دست راست بر دست چپ در شستن واجب است. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۶)

چنان که تعدادی از فتاوی‌های امامیه به صورت مختصر و جداگانه این طور نقل شده: شیخ مفید در این باره می‌فرماید: آنگاه کفی دیگر از آب به دست راست خود برداشته و در دست چپ خود می‌ریزد و با آن دست راست خود را از مرفق تا اطراف انگشتان می‌شوید. (ر.ک: ابن قدامه، المقنع (فقه حنبلی)، ص ۴۳)

شیخ طوسی نیز در این باره می‌فرماید: سپس کفی دیگر از آب برداشته و بر مرفق راست خود ریخته و آن را تا اطراف انگشتان می‌شوید. (ر.ک: طوسی، النهایه، ج ۱، ص ۱۵۸)

علامه حلی نیز در این مورد می‌فرماید: واجب است ابتدا از مرفقین و اگر بر عکس بشوید، در آن دو قول است. همانند شستن صورت. قول حق در مسأله، بطلان است. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه

حلی، تذکره الفقها، ج ۱، ص ۱۵۸) از مجموعه کلمات علمای امامیه استفاده می‌شود که مشهور، نزد



آنان این است که از مرفق به اطراف انگشتان واجب بوده و عکس آن باطل است.

ادله شیعیان امامیه بر لزوم شستن دست ها از مرفق به طرف انگشتان در وضو رعایت اصل احتیاط: چون با رعایت این اصل، می تواند اطمینان پیدا کند که حدث بر طرف شده و وظیفه اش را کامل انجام داده است و همه فقها بر آن اتفاق نظر دارند. ولی اگر در وضو، شستن دست ها را از سر انگشتان شروع کرد و آرنج را نشست، نمی تواند به صحت و کمال عمل وضو، مطمئن شود و به رفع حدث اطمینان حاصل نمی کند. (ابن زهره، فقه استدلالی، انجوی نژاد، ص ۵۲).

روایات بیانیه: در روایات بیانیه که کیفیت وضوی رسول خدا (صلی الله وعلیه واله وسلم)، به توسط اهل بیت: بیان شده، شستن دست ها از مرفق ترسیم شده است.

شیخ طوسی به سند خود از بکیر و زراره بن اعین نقل می کند: ما هر دو از امام باقر علیه السلام از کیفیت وضوی رسول خدا (صلی الله وعلیه واله وسلم) سوال نمودیم. حضرت طشت یا ظرف کوچک پر از آب درخواست نمود و دوکف دستان خود را شسته و سپس مشتی از آب برداشت و با آن صورتش را شست. آن گاه دست چپ را در ظرف آب فرو برده و مشتی از آن را بر دست راست خود ریخت و آن را از آرنج تا سر انگشتان شست و هیچ گاه آب را به طرف آرنج بر نگرداند و همین حالت را نسبت به دست چپ انجام داد. سپس سر و پاهای خود را تا کعبین با رطوبت دستانش مسح نمود. (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۵۵، ح ۱۸۵)

«الی» در آیه به معنای «من»: در روایات اهل بیت: کلمه «الی» بمعنای «من» تفسیر شده و این بدان معنا نیست که کلمه «الی» در «من» استعمال شده باشد. زیرا این نوع کاربرد در عرب وجود ندارد، بلکه به معنای آن است که مراد حدی از کلمه «الی» بمعنای «من» است. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۷، ح ۱۵۹، باب ۱۹ از ابواب وضو)

شیعه در پاسخ به نظریه اهل سنت به شستن دست ها از انگشتان تا آرنج، را نیز جایز می شمارند و

دلیلشان را اطلاق آیه به «غسل» داده اند، می گوید:



اولاً آیه ظهور دارد در این که کلمه «الی» غایت مغسول است که «لایدیکم» باشد. نه غایت «غسل». یعنی آیه درصدد بیان مقدار واجب از شستن دست است. زیرا لفظ «ید» بر موارد زیادی اطلاق می شود کلمه «ایدی» جمع کلمه «ید» است که نام عضو خاصی از انسان است که با آن اکثر کارها را می کند که نامش در فارسی «دست» است. از شانه شروع شده تا نوک انگشتان ادامه می یابد و چون عنایت در اعضای بدن به مقدار اهمیت، مقاصدی است که آدمی از هر عضوی از اعضای خود دارد و مثلاً غرض و مقصدش دست دادن و گرفتن است. به خاطر این که نیمه قسمت پایین آن، یعنی از مرفق تا سر انگشتان بیشتر (یا نود درصد) مقاصدش را انجام می دهد، لذا کلمه «ید» را بیشتر در همین قسمت به کار می برند و باز به خاطر این که از آن نود درصد، باز نود درصد از مقاصدش را به وسیله قسمت پایین تر یعنی از مچ دست تا سر انگشتان انجام می دهد، این کلمه را بیشتر در همین قسمت به کار می برد. بنابراین کلمه دست سه معنا دارد: ۱. از نوک انگشتان تا مچ، ۲. از نوک انگشتان تا مرفق، ۳. از نوک انگشتان تا شانه. گاهی در خصوص انگشتان به کار می رود. همانند: آیه سرقه، زمانی بر مچ دست همانند: آیه تیمم، در مواردی بر آرنج به پایین همانند: آیه وضو، گاهی از شانه به پایین همانند: استعمال های عرفی. و این اشتراک در معنا، باعث شده که خدای تعالی در کلام خود، قرینه ای بیاورد تا یکی از این سه معنا را در بین معانی مشخص کند و آن قرینه، کلمه «الی المرافق» است تا بفهماند منظور از شستن دست ها، در هنگام وضو، شستن از نوک انگشتان تا مرفق است نه تا مچ دست و نه تا شانه. (طباطبایی، المیزان، موسوی همدانی، ج ۵، ص ۳۵۷)

ثانیاً آیه اگر ظاهر در این معنا نباشد که غایت مغسول است، لااقل ظاهر در غایت غسل هم نیست، تا دلالت بر لزوم و ترجیح شستن تا آرنج گردد. در نتیجه آیه اجمال دارد. لذا باید به روایات بیانی رجوع نمود که آن ها نیز دلالت بر لزوم شستن از آرنج دارند.



ثالثاً ممکن است ادعا شود به این که «الی» در صورتی به معنای انتهای غایت است که با من ابتدائیه همراه باشد. مثل این که کسی بگوید: من از قم به تهران حرکت کردم، که در مورد آیه این گونه نیست. پس لفظ «الی» در این آیه، برای غایت و نهایت نیست، بلکه به معنای «مع» است، یعنی دست هایتان را همراه با آرنج ها در وضو بشویید. (ابن زهره، فقه استدلالی انجوی نژاد، ص ۵۵)

بنابراین کلمه «الی» در آیه فقط بیان حد شستن نه کیفیت شستن دست را نشان می دهد که آن مقدار حد، چنان چه بیان شد، از آرنج به سوی سر انگشتان است. مانند انسانی که به کارگری سفارش می کند: دیوار اطاق را از کف تا یک متری رنگ کن. بدیهی است منظور این نیست که دیوار را از پایین به بالا رنگ شود. بلکه منظور این است که این مقدار رنگ شود، نه بیشتر و نه کم تر.

در نتیجه آن مقداری از دست که باید شسته شود، در آیه ذکر شد و اما کیفیت آن در سنت پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم)، که به وسیله اهل بیت: به ما رسیده است، آمده است. و آن شستن آرنج است به طرف سر انگشتان. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸۷) باید توجه داشت مرفق هم باید در وضو شسته شود. زیرا در این گونه موارد، به اصطلاح، غایت داخل در مغیبه است، یعنی حد نیز داخل در حکم محدود است. (سایت: www.ldec.md.org)

مسح سر: فقهای امامیه فتوا داده اند فقط یک بار مسح مقداری از جلوی سر واجب است و کم ترین مقداری که به آن مسح اطلاق می شود کفایت می کند و شستن یا آب ریختن جایز نیست. هم چنان که واجب دانسته اند، که مسح سر باید با رطوبت وضو باشد و هرگاه با آب جدید مسح شود، وضو را باطل خواهد کرد. (مغنیه، فقه تطبیقی، پورجوادی، ص ۴۰)

امامیه معتقدند: مسح باید بر پوست یا موی سر باشد و مسح بر حایل همچون عمامه باطل است.



«وامسحوا بروسکم و ارجلکم الی الکعبین» کلمه «مسح» بمعنای کشیدن دست و یا هر عضو دیگر از لامس است بر شی ملموس، بدون این که حایلی بین لامس و ملموس باشد و نیز خود لامس، دست یا هر عضو دیگر خود را به آن شی بکشد. وقتی گفته می شود «مسحت الشیء» و یا گفته شود «مسحت بالشیء» هر دو به یک معناست. همچنان که در آیه مورد بحث نیز حرف «باء» آمده، فرمود «برؤسکم» لیکن اگر بدون حرف «باء» استعمال شود و شیء ملموس را مفعول خود بگیرد، استیعاب و شمول را می رساند و اگر با حرف «باء» مفعول بگیرد، دلالت می کند بر این که بعضی از شیء ملموس را لمس کرده و نه همه آن را. (طباطبایی، المیزان، موسوی همدانی، ج ۵، ص ۳۶۰) در نتیجه حرف «باء» که در «برؤسکم» می باشد، طبق صریح بعضی از روایات شیعه و تصریح بعضی از اهل لغت، به معنی «تبعیض» می باشد. یعنی قسمتی از سر را مسح کنید، که در روایات امامیه، محل آن به یک چهارم پیش سر محدود شده و باید قسمتی از این یک چهارم، هر چند کم باشد، با دست مسح کرد. بنابراین آن چه در میان بعضی از طوایف اهل تسنن، معمول است که تمام سر و حتی گوش ها را مسح می کنند، با مفهوم آیه سازگار نمی باشد. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸۸)

مسح پاها: طبق نظر امامیه، پاها باید با رطوبت باقیمانده در دست ها مسح شود و شستن به جای مسح، باطل است. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۸) مسح بر روی پاها از سر انگشتان تا برآمدگی روی پاهاست و بهتر آن است که با کف دست ها باشد، ولی با سرانگشتان هم کافی است. (ابن زهره، فقه استدلالی، انجوی نژاد، ص ۵۴)

احتیاط مستحب آن، همه روی پا باشد و پای راست را باید پیش از پای چپ مسح کند. ولی لازم نیست پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست راست مسح کند. به فتوای برخی از



فقها، مسح هم زمان پاها صحیح است. (کاظم طباطبایی یزدی، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ج ۱، ص ۱۰۵، م ۲۴)

فقهای امامیه معتقدند: مسح باید بر خود پا باشد. پس اگر حایلی در پا باشد، مانند جوراب و کفش و... باطل است. (فلاح زاده، احکام فقهی، ص ۷۱) و هر که بر روی کفش مسح کند، از ظاهر آیه عدول کرده است.

صاحب تفسیر نمونه در مذهب امامیه، نظری دارند مبنی بر این که: در آیه وضو، خداوند دستور مسح سر را صادر فرموده و مسح پا را نیز به وسیله حرف عطف «و» واجب کرده است و قرار گرفتن «ارجلکم» در کنار «بروسکم» گواه بر این است که پاها نیز باید مسح شود، نه این که آن را بشویند و اگر ملاحظه می کنیم «ارجلکم» به فتح «لام» قرائت شده، به خاطر آن است که عطف بر محل «بروسکم» است نه عطف بر «وجوهکم» شک نیست که در میان «وجوهکم» و «ارجلکم» فاصله نسبتاً بسیار است و لذا عطف بر آن، بعید به نظر می رسد. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸۸).

و همچنین آیت الله مدرسی، در تفسیرشان این را بیان کرده اند:

قرآن «ارجلکم؛ پاهایتان» را به فتح لام آورده، زیرا «ارجل» برای «امسحوا» مفعول است و مفعول منصوب است و چرا «ارجل» را به «رئوس» که مجرور است، عطف نکرده و آن را مجرور نیاورده است؟ زیرا میان مفهوم مسح به سر و مسح به پا، فرق است. مسلم است که در تصور نمی آید که سر وسیله مسح باشد. وقتی می گوید «امسحوا بروسکم» هرگز این معنی به ذهن نمی آید که به وسیله سرت، چیز دیگری را مسح کن. بلکه این معنی به ذهن متبادر می شود که بخشی یا قسمتی از سرت را مسح نمایی.

پس بلاغت قرآن، حکم می کند کلمه «رجل» «منصوب خوانده شود، تا به محل «بروسکم» عطف داده شود، نه به لفظ آن. (مدرسی، تفسیر هدایت، آیتی، ج ۲، ص ۲۷۳)



روایات اهل بیت: تصریح دارد به نص صحیح قرآن مبنی بر مسح دو پاها:

کلینی به سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: مسح کن بر جلوی سر خود و نیز بر دو پایت، با ترتیب بدین شکل که مسح را از پای راست خود شروع کن. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۴)

همچنین به سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: شخصی هست که شصت یا هفتاد سال از عمرش می گذرد، در حالی که هیچ یک از نمازهایش قبول درگاه الهی نیست. راوی می گوید: عرض کردم: چگونه؟ فرمود: زیرا می شوید آن چه را که خداوند امر به مسح آن نموده است. (همان)

محقق حلی می فرماید: واجب است مسح هر دو پاها و تا برآمدگی پاها که از آن به قبه پا یاد می شود و وجوب مسح، نظر جمیع علمای اهل بیت: است. (ر.ک: علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۶۸)

کعب در لغت به معنی برآمدگی پشت پاها و هم به معنی مفصل، یعنی نقطه ای که استخوان ساق پا با استخوان کف پا، مربوط می شود، آمده است.

در قاموس، کعب به سه معنی ذکر شده: ۱. برآمدگی پشت پا، ۲. مفصل و ۳. قوزک ها (قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۱۴) که در دو طرف پا قرار دارند. اما با توضیحی که در سنت وارد شده، مسلم است که منظور قوزک ها نیستند. ولی در این که آیا منظور استخوان بر آمده پشت پا یا مفصل است، در میان فقها اتفاق نظر نیست و در هر حال، احتیاط آنست که تا مفصل مسح شود. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸۸)

ترتیب: امامیه معتقدند: ترتیب بین اعضای وضو واجب و از شرایط صحت وضو است. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۹) به این نحو که شستن صورت، شستن دست راست و سپس دست چپ، مسح سر و مسح پا.



آیه مبارکه قرآنی «یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلاه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق و امسحوا بروسکم و ارجلکم الی الکعبین» این آیه دلالت بر لزوم ترتیب می کند. چون «فا» در «فاغسلوا» برای تعقیب است. خواه آن که «فا» عاطفه باشد و یا برای جزا. وقتی که پس از اراده قیام برای نماز واجب شده است که بلافاصله صورت شسته شود و شروع به وضو شود و هر کس که وجوب شروع به وضو را پس از اراده نماز واجب دانسته، بقیه افعال وضو را به ترتیب واجب می داند و هر که شروع را واجب ندانسته، بقیه ترتیب را هم واجب نمی داند و هیچ کس نگفته که شروع به نماز واجب، ولی ترتیب واجب نیست. (ابن زهره، فقه استدلالی، انجوی نژاد، ص ۶۱)

موالات (پی در پی): فقهای امامیه، بر این باورند: رعایت موالات و فاصله نینداختن میان اعضای وضو واجب است و عدم رعایت آن، موجب بطلان وضو است. به این نحو که تا عضو قبلی خشک نشده، عضو بعدی وضو داده شود و آن مقدار فاصله، ایجاد نشود تا آن که عضو قبلی، در هوای معتدل خشک گردد و هرگاه خشک شود، وضو باطل است و واجب است که از ابتدا شروع کند. (همان، ۶۲)

دلیل همه ی این ها اجماع امامیه است. چون یکی از واجبات نماز طهارت است و جز با یقین بر طهارت، نماز صحیح نیست. پس اگر در یکی از واجبات وضو، شک پیدا شود، باید آن عمل را دوباره انجام دهد تا یقین بر صحت آن پیدا کند و اگر یقین بر کامل بودن افعال وضو پیدا کرد، هرگونه شکی که بعد از آن پیدا شود، قابل اعتنا نیست، چون باید یقین را با شک از بین برد. (همان، ۶۵-۶۴)

واجبات و احکام وضو در فقه اهل سنت: در بین مذاهب چهارگانه، چگونگی واجب شدن

وضو را به عنوان مقدمه نماز، صاحب تفسیر طبرسی این طور بیان کرده است:

شب معراج، پیغمبر (صلی الله علیه و اله وسلم) را به آسمان بردند. وقتی به آسمان چهارم رسید، همه



ارواح پیغمبران را آن جا یافت و هر کدام از پیغمبران، به نزد خداوند، درخواست نماز برای امت هایشان کردند و پیغمبر(صلی الله علیه و اله وسلم) ما هم، از خداوند درخواست نماز فرمودند. خداوند عزوجل، در ابتدا پنجاه نماز در شبانه روز فرمود. پیغمبر(صلی الله علیه و اله وسلم) بنا به پیشنهاد موسی بن عمران، درخواست کم کردن نماز کردند. دوباره بیست نماز شد. باز موسی بن عمران فرمود امت ها انجام نخواهند داد. دوباره پیامبر(صلی الله علیه و اله وسلم) از خداوند درخواست کرد، تا پنج نماز، خداوند واجب کرد و خداوند فرمود: هر کس این پنج نماز را به جای آورد، ثواب آن پنجاه نماز را به او بدهند.

پس پیامبر(صلی الله علیه و اله وسلم) درخواست داشت، چگونه این پنج نماز و وضو را به جای آورد؟ خداوند آیه وضو را نازل کرد: «اذا قمتم الى الصلاه فاغسلوا...» پس جبرئیل آمد و آب خواست و پیش پیامبر(صلی الله علیه و اله وسلم) وضو ساخت و چهار اندام که فریضه بود، بشست و پس مسح سر برکشید و دو تا پای خود را تا کعب شست. پس جبرئیل گفت: این، آن است که خدای تعالی فرموده است. سپس پیغمبر(صلی الله علیه و اله وسلم) به جبرئیل فرمود: آیا روا باشد چیزی بر آن بیفزایم؟ جبرئیل گفت که یا رسول الله! روا باشد. پس پیغمبر(صلی الله علیه و اله وسلم) طهارت کردن و مضمضه و استنشاق و مسح گوش و مسح گردن و... را به آن افزود.

پس جبرئیل بدین گونه، به پیغمبر(صلی الله علیه و اله وسلم) وضو گرفتن آموخت و بعد از آن، به آموختن نماز به پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) پرداخت. (مترجمان، ترجمه تفسیر طبری، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۶)

حال بعد از بیان پیشینه وضو ساختن پیامبر(صلی الله علیه و اله وسلم) از دیدگاه اهل سنت، به واجبات وضو از دیدگاه مذاهب چهارگانه می پردازیم.

نیت: مذاهب چهارگانه معتقدند: نیت تصمیم کاری است که برای اطاعت و فرمانبرداری امر



خدای تعالی اتفاق دارند که در وضو، نیت واجب است و وقت آن شروع در عمل آن است.
حنفیه: گفته اند درست بودن نماز، مربوط به وضو گرفتن با نیت نیست. هرگاه شخصی به قصد خنک شدن یا نظافت، غسل کند و آن غسل، اعضای وضو را در بر گیرد، سپس نماز بخواند، نمازش صحیح است. زیرا منظور از وضو، طهارت بود که حاصل شده است. به طوری که گفته اند: در هر حال، نیت لازم است. (مغنیه، فقه تطبیقی، پورجوادی، ص ۳۹)

حنبلیه: نیت و قصد رفع حدث یا حصول طهارت، برای اموری که مشروط به طهارت اند، همانند نماز و طواف و مس قرآن، از شرایط وضو محسوب می شود و واجب است. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۰)

مالکیه و شافعیه: نیت از فرایض وضو محسوب می شود. (همان)

پس: حنبلی ها، نیت را شرط وضو و مالکی ها و شافعی ها، فرض وضو شمرده اند. (طباطبایی یزدی، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ رک: علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۳۹؛ الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۰-۵۵)

شستن صورت: مذاهب چهارگانه گفته اند: شستن صورت واجب است، به هر طریق که شسته شود. ولی اگر از بالا شروع کنیم، بهتر است. (مغنیه، فقه تطبیقی، پورجوادی، ص ۳۹)

حنبلیه: (در طول) شستن صورت، از رستنگاه مو تا آخر چانه برای کسی که ریش ندارد و تمامی ریش ولو طولانی باشد، برای کسی که ریش دارد، واجب است. ولی شستن زیر چانه لازم نیست و اما (در عرض) پهنای صورت و حتی گوش ها و داخل بینی و دهان باید شسته شود.

حنفیه: (در طول) شستن صورت از رستنگاه مو تا آخر چانه برای کسی که ریش ندارد، واجب است. ولی کسی که ریش بلند دارد، لازم نیست ریش را بشوید. همچنین شستن زیر چانه لازم نیست. اما (در عرض) از گوش تا گوش باید شسته شود، ولی شستن خود گوش لازم نیست.



شافعیه: (در طول) شستن صورت از رستگاه مو تا زیر چانه واجب است. کسی هم که ریش بلند دارد، باید تمامی آن را بشوید و اما در (عرض) شستن از گوش تا گوش واجب است.

مالکیه: شستن صورت از رستگاه مو تا آخر چانه (در طول) برای کسی که ریش ندارد و تمامی ریش برای کسی که ریش دارد، واجب است و (در عرض) شستن از گوش تا گوش واجب است. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۴۹؛ ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۰-۵۶)

از بالا به پایین شستن صورت را مذاهب چهارگانه، واجب نمی دانند و هرگونه شستن کافی است. (جعفریپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۵-۱۲۴)

در تفسیر اهل سنت، این طور آمده: «یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلاة»: ای شما که

گرویدگانیید! چون برخیزید به نماز «فاغسلوا وجوهکم»؛ بشوید روی های خودتان را وقتی برای نماز برمی خیزید، دست و روی خود را شسته، اما حد صورت از رستگاه مو تا چانه و از نزدیکی گوشی تا نزدیکی گوش دیگر و اگر صورت باز بود، همه صورت باید شسته شود و اگر پوشیده بود، هر جا که از صورت پدیدار بود، باید شست و آن جا که زیر مو پنهان بود، ظاهر مو را تر باید کرد و آن خط که میان گوش و عذارین است، باید شست و هر عضوی از اعضا، دفعه اول شستن آن واجب و دفعه دوم آن فضیلت است و سوم شستن آن ها سنت است و در خبر آمده پیغمبر اعرابی را دست و صورت شستن به او می آموخت. وقتی دفعه اول، آب بر صورت ریخت، گفت: این شستن آن است که نماز بدون او روا نیست و دگر بار که آب ریخت بر صورت، گفت: این نافله است و دفعه سوم گفت: این سنت است و هر آبی که به عضوی می ریزی، باید به تمام آن برسانی تا فریضه و سنت گذارده باشی. (ر.ک: سوره آبادی، تفسیر سوره آبادی، ج ۱، ص ۵۳۳-۵۳۴)

شستن دست ها: مذاهب چهارگانه اعتقاد دارند شستن تا آرنج، همراه با خود آرنج واجب است



و تقدیم دست راست بر دست چپ، واجب نیست. اگر چه افضل است. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۶)

و طبق مذهب امامیه، باید شستن دست ها از آرنج آغاز شود.

ولی در مذاهب اهل سنت به عکس است و باید در آرنج ختم شود. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۵۷؛ ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۳)

در تفسیر سورآبادی در تفسیر آیه: «و ایدیکم الی المرافق» آمده است و بشوید دست ها را وارون و وارون شستن، در فریضه وضو داخل نیست. زیرا که «الی» بیان غایت و نهایت است. چنان که آمده است: «اتموا الصیام الی اللیل» شب در فرض روزه، داخل نبوده و حد شستن دست ها، به سه آب است. همچنان که در مورد شستن صورت آمد. (ر.ک: سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ج ۱، ص ۵۳۴)

فقهای عامه فتوا داده اند:

ماوردی می گوید: «... آن گاه ذراع راستش را تا مرفق می شوید و سپس دست چپ را نیز بدین شکل می شوید.» (فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۱۱۲)

عبد الرحمان جزیری می گوید: «ائمہ بر فرائض چهارگانه که در قرآن به آن اشاره شده است، اتفاق نموده اند و آن ها عبارتند از: شستن دو دست تا مرفقین، مسح سر؛ تمام آن یا بعضش، و شستن هر دو پا تا کعبین» (ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۰)

دلیل فقهای عامه بر جواز عکس: همان گونه که اشاره شد، اهل سنت شستن دستان از انگشتان تا آرنج را نیز جایز می شمارند و دلیل شان اطلاق امر به غسل، در آیه مبارکه است، معتقدند. زیرا مقتضای اطلاق، جواز شستن دست از سر انگشتان تا آرنج است و در این معنا، ظهور دارد.

مسح سر: مذاهب چهارگانه، هر کدام در مورد مسح سر، نظراتی دارند:



حنبلیه: مسح کردن تمام سر و گوش ها، واجب و فرض است و شستن به جای مسح، کفایت می کند.

حنفیه معتقدند: مسح کردن ربع (۴/۱) سر، واجب و مسح تمامی سر، سنت است.

شافعیه: مسح مقدار کمی از سر کفایت می کند و مسح همه سر سنت است و شستن پاها یا پاشیدن آب هم، کفایت می کند.

مالکیه: مسح تمام سر فرض و واجب و شستن به جای مسح، کفایت می کند. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۱؛ ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۰؛ ر.ک: طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۱۳)

مذاهب چهارگانه در مورد آب مسح، معتقدند: لازم نیست مسح با رطوبت باقیمانده دست ها باشد. با آب جدید هم کفایت می کند، بلکه طبق بعضی از مذاهب، مسح باید با آب جدید باشد. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۵؛ ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۵؛ ر.ک: مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، جباری و دیگران، ج ۱، ص ۸۲-۸۱) به نظر حنفی ها، اگر به مقدار لازم، در مسح، آب باران بر سر بریزد، کفایت می کند ولو مسح با دست هم نکند. (ر.ک: الکاشانی، بدائع الصنائع (فقه حنفی)، ج ۱، ص ۲۱)

علامه در تذکره، لزوم آب جدید در مسح را به تمامی مذاهب اهل سنت نسبت داده است. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۶۶) و مذهب حنبلیه در مورد مسح سر، با داشتن حایل، معتقدند: مسح بر عمامه جایز است با این شرط که پوشیدن آن، در حال طهارت باشد.

اما به نظر مذهب شافعیه، حنفیه و مالکیه، مسح بر عمامه در صورت عذر داشتن، جایز است. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۳؛ ر.ک: مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، جباری و دیگران، ج ۱، ص ۸۲)



در تفسیر سورآبادی آمده: «وامسحوا بروسکم؛ مسح کنید سرهایتان» اما مسح سر: گروهی گفته اند: همه سر را مسح باید کشید و گروهی گفته اند: نیمی از سر و گروهی گفته اند: ثلثی و گروهی گفته اند: ربعی و گروهی گفته اند: بعضی از سر را مسح کنی، درست است و ما این قول را قبول داریم. هر چند بیشتر و تمام تر مسح کنید، پاداش بیشتر دارد. اما یک بار، بیشتر نباید مسح کرد و مسح بر سر و مسح بر ستر سر درست باشد، چنان که بر ستر پا درست باشد. (ر.ک: سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ج ۱، ص ۵۳۴)

شستن پاها: مذاهب چهارگانه بر این عقیده اند: واجب است پاها شسته شود، این فتوا بر مبنای آن است که در آیه وضو، واژه «ارجلکم» عطف بر «ایدیکم» باشد. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۶۸؛ ر.ک: الکاشارنی، بدائع الصنائع (فقه حنفی)، ج ۱، ص ۲۲-۲۱؛ ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۳)

همچنین مذاهب چهارگانه، مسح بر خُفّ (نوعی چکمه به نام موزه) و ستر جایز است و در این صورت، اموری مانند جنابت و کندن خف (به جز مالکیه) گشتن یک شبانه روز برای مقیم و سه شبانه روز برای مسافر تنها مسح را باطل می کند. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۲؛ ر.ک: طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۱۰۸) علامه در تذکره، پس از این که دو فتوای بالا را از اهل سنت نقل می کند که از یک سو در پاها شستن را واجب می شمردند و مسح را کافی نمی دانند و از سوی دیگر، مسح بر خُفین را به جای شستن پاها، جایز می شمردند. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۹)

تفسیر سورآبادی در تفسیر «و ارجلکم الی الکعبین» چنین بیان می کند: و بشوید پاهایتان را؛ چون اگر «و ارجلکم» نصب باشد، عطف می خورد به «و جوهکم» و «ایدیکم» شستن واجب است و اگر «ارجلکم» جر باشد، عطف می خورد به «روسکم» مسح واجب است. پس اهل تسنن، عطف به «ایدیکم» و «جوهکم» را قبول دارند و شستن پاها را فتوا داده اند و می گویند: اگر



پای برهنه داشته باشید، بشوید پاهایتان را و اگر پای پوشیده داشته باشید، مسح کنید بر موزه و نیز گفت: مسافر مسح کند بر کفش تا سه شبانه روز و برای مقیم، یک شبانه روز می تواند مسح کند.

شرط مسح پا، آن است که پا تمام تا قوزک در کفش باشد یا جوراب سخت بر پا داشته باشد و وقت مقیم بر مسح، یک شبانه روز از زمان حدث تا روز دیگر، وقت آن حدث و وقت مسافر، سه شبانه روز از وقت حدث تا روز چهارم وقت آن حدث است. و اگر کسی، کفش را از پای خود در بیاورد، نباید نماز بخواند تا پای خود را بشوید.

و در ادامه، تفسیر «الی الکعبین» آمده، پا را تا دو قوزک بشوید و قوزک هم در شستن است. کعبین، آن دو استخوان برآمده در دو طرف پا هست که آن را قوزک یا بژدل می گویند. (ر.ک: سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ج ۱، ص ۵۳۵) فقهای علمای عامه، فتوا می دهند در مورد شستن پاها: سرخسی حنفی می گوید: «آن گاه هر دو پایش را با برآمدگی ها، هر کدام سه مرتبه می شوید...» (سایت: www.ldec.md.org)

ابن قوامه حنبلی می نویسد: «شستن هر دو پا، از نظر اکثر اهل علم، واجب است.» (همان) شافعی در تفسیر قول خداوند متعال «و ارجلکم الی الکعبین» می گوید: «ما «ارجلکم» را به فتح می خوانیم، به جهت عطف بر «وجوهکم» و «ایدیکم» که نتیجه آن، وجوب شستن پاها است.» (ر.ک: شافعی، الام، ج ۱، ص ۲۳)

قرطبی مالکی می گوید: «کسی که «و ارجلکم» را به نصب قرائت کند، عامل در نصب را «اغسلوا» می داند و چنین می پندارد که واجب در وضو، شستن هر دو پا است نه مسح آن دو و این نظر، تمامی عالمان است.» (قرطبی، تفسیر قرطبی الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۹۱).

ترتیب: حنبلیه و شافعیه: ترتیب بین اعضای وضو، فرض است.



حنفیه و مالکیه: ترتیب بین اعضای وضو فرض نیست، ولی سنت است و جایز می دانند که از

دو پا شروع و به صورت ختم شود. (مغنیه، فقه تطبیقی، پورجوادی، ص ۴۱)

موالات: مذهب حنبلیه معتقدند: رعایت موالات، میان اعضای وضو و انجام فوری و افعال وضو،

فرض و واجب است.

حنفیه و شافعیه: رعایت موالات، سنت است نه فرض. لذا شستن عضوی پس از خشک شدن

عضو قبل، کراهت دارد. (جعفریپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۹) همچنین جدایی افتادن بین

شستن اعضا، بدون عذر، مکروه است و با داشتن عذر، کراهت برطرف می شود. (مغنیه، فقه تطبیقی،

پورجوادی، ص ۴۱)

مالکیه: اگر وضو گیرنده متوجه باشد، موالات واجب است و چیزی که در خیال او بوده، پیش

نیاید، مانند این که آبی که برای وضو مهیا کرده، در همان اثنا ریخته شود یا اگر صورت خود را

شست و از دو دست غافل بود، و یا آبی که برای وضو کافی بود، به حسب اعتقاد او، تمام شد، اگر

چه مدتی طول بکشد، می تواند بنا را بر آن چه انجام داده، بگذارد. (مغنیه، فقه تطبیقی، ص ۴۱)

در نتیجه، آن گروه از فقهای اهل سنت، که موالات را معتبر می دانند، آن را از فرایض وضو می

شمرند. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۸۸؛ ر.ک: طباطبایی یزدی، غایه

القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ترجمه قمی، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۵)

نتیجه تطبیق در دو نظریه شیعه و اهل سنت: بنابر تفاوت ها و اختلافات بیان شده بین

مذاهب امامیه و مذاهب چهارگانه در مسأله واجبات وضو و طریقه و چگونگی وضو گرفتن، اکنون

به جمع بندی در این مسأله می پردازیم:

الف) در وضو، شستن صورت و دست ها و مسح سر و مسح پاها، از افعال واجب و از

فرایض مورد اتفاق در مذاهب اسلامی است که نص قرآن کریم محسوب می شود.



ب) ترتیب و موالات و نیت، مورد اختلاف است. عده ای از اهل سنت، این سه را قبول ندارند. ولی اجماع فقهای امامیه، بر معتبر بودن آن هاست. اگر چه برخی از فقها در گذشته، مانند علامه حلی، این امور را از افعال وضو شمرده اند. ولی در متون فقهی جدیدتر، مانند عروه الوثقی و رساله های توضیح المسائل، این سه امر، از شرایط شمرده شده اند، از افعال و واجبات نیت نیست و ظاهراً حق با گروه دوم است. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۱)

اسباب وجوب وضو در فقه امامیه: فقهای شیعه وضو را یکی از اعمال عبادی می دانند که به مستوجب آن بسیاری از اعمال عبادی واجب و مستحب صادره از سوی خداوند متعال مورد قبول و صحت قرار می گیرد.

برای چه کارهایی باید وضو گرفت؟

ارتباط وضو با اعمالی که با وضو انجام داده می شود و به خاطر آن ها دفع حدث اصغر واجب است، حالت هایی را خواهد داشت که بر اساس فتاوی امام خمینی(ره) به بررسی آن پرداخته می شود:

شرط صحت عمل: یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود، صحیح نیست:

الف) نماز(به جز نماز میت). ب) اجزای فراموش شده نماز یعنی سجده و تشهد. ج) سجده تلاوت و سجده شکر. د) طواف.

الف) نماز: امامیه گفته اند تمام نمازهای واجب و مستحب باید با وضو انجام داده شود ولی نماز میت را مستثنی کرده و گفته اند: نماز میت واجب نیست بلکه مستحب است با وضو انجام داده شود. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۰۱، م ۱۴) زیرا نماز میت دعا است و نماز حقیقی نمی باشد. (مغنیه، فقه تطبیقی، پورجوادی، ص ۳۷).

ب) اجزای فراموش شده نماز: یعنی سجده و تشهد: اگر نماز گزار تشهد یا یک سجده از نماز را



فراموش کند، باید پس از نماز، قضای آن را به جا آورد و در حال قضای سجده یا تشهد نیز باید با وضو باشد. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۰۱، م ۱۴).

ج) سجده تلاوت و سجده شکر: نزد امامیه انجام سجده تلاوت و سجده شکر مشروط به طهارت نیست و وضو مستحب می باشد. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۳)

د) طواف: نزد امامیه طواف واجب کعبه که جزئی از اعمال عمره و حج است، مانند نماز که بدون طهارت صحیح نیست و باید با وضو انجام شود، به جهت حدیث شریف «الطواف فی البیت صلوٰة» (مغنیه، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، ص ۳۸) و در فقه امامیه طواف مستحب مشروط به طهارت از حدث نیست. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۳)

شرط جواز عمل و حرام نبودن: یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد حرام است.

الف) مس نوشته قرآن. ب) مس اسم خداوند و صفات خاص اوج) به احتیاط واجب مس اسم انبیا و ائمه و ملائکه. (فلاح زاده، احکام فقهی، ص ۸۶)

الف) مس نوشته قرآن: امامیه گفته اند: بدون وضو دست کشیدن روی خطوط قرآن جایز نیست، چه در خود قرآن باشد یا غیر آن ولی مس ترجمه و نوشته غیر عربی آن حرام نیست و اشکال ندارد. (مغنیه، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، ص ۳۸)

و هم چنین خواندن و نوشتن و برداشتن برای نگهداری قرآن بدون وضو دست کشیدن حرام نیست. (همان، ص ۳۸) در حرام بودن مس قرآن بدون طهارت بین موارد زیر تفاوتی نیست:

با دست باشد یا سایر اجزای بدن (به جز مو)؛ خط آن معمول و متعارف باشد و یا متعارف نباشد، مثل خط کوفی؛ نوشته با قلم باشد یا چاپ یا گچ یا غیر آن؛ نوشته برجسته باشد یا گود، مانند سنگ قبر؛ حرفی که خوانده می شود یا خوانده نمی شود، مانند الف در «قالوا»؛ نوشته قرآن در قرآن باشد یا در غیر آن، مثلاً آیه ای یا کلمه ای از قرآن در کتابی نوشته شده باشد و یا حتی مثلاً



نصف کلمه را بریده باشند؛ حروف عربی باشد یا غیر آن، مثلاً "ALLAH" یا "MOHAMMAD"؛ کلمات قرآنی دارای مصداق ممدوح باشد؛ مانند مؤمن، صبر، یا کلمات دارای مصداق ناپسند؛ مانند ابلیس، شیطان و کافر. (ر.ک: طباطبایی یزدی، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ترجمه قمی، ج ۱، ص ۱۱۱)

مس در موارد زیر حرام نیست:

مس خطوط قرآن با مو، گرچه احتیاط مستحب، ترک آن است؛

مس از پشت شیشه یا پلاستیک که در واقع مس خطوط نیست؛

مس ورق قرآن و حواشی و بین سطور و جلد آن (گرچه مکروه است)؛

ترجمه قرآن به هر لغتی باشد مگر اسم خداوند. (فلاح زاده، احکام فقهی، ص ۸۷)

ب) مس اسم خداوند و صفات خاص او: در مذهب امامیه مس اسم خداوند به هر لغتی نوشته شده باشد و در هر کجا باشد، چه در قرآن یا غیر آن، مطلقاً بدون وضو حرام است. (مغنیه، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، ص ۳۸)

ج) به احتیاط واجب مس اسم انبیا و ائمه و ملائکه: در مذهب امامیه مس اسم پیامبر و حضرت زهرا و ائمه و انبیا نیز اشکال دارد. (جعفری‌پیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۳)

شرط کمال عمل برای درک ثواب یا ثواب بیشتر: مانند قرائت قرآن.

رفع کراهت عمل: مانند غذا خوردن در حال جنابت که با وضو کراهت آن رفع می شود. (فلاح زاده، احکام فقهی، ص ۸۶)

اسباب وجوب وضو در فقه اهل سنت: در فقه اهل سنت هم برای وضو موجباتی قرار داده اند که به واسطه انجام آن اعمال، وضو واجب می شود.

برای چه کارهایی باید وضو گرفت؟

ارتباط وضو با اعمالی که با وضو انجام داده می شود، یکی از حالت های زیر را خواهد داشت:



شرط صحت عمل: الف) نماز: مذاهب چهارگانه برای اقامه نماز جماعت یا مستحب، گرفتن وضو و رفع حدث اصغر واجب است. در این مذاهب بر خلاف امامیه، حتی برای نماز میت هم وضو و رفع حدث اصغر را شرط و واجب شمرده اند. (مغنیه، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، ص ۳۷)

ب) سجده تلاوت و سجده شکر: نزد مذاهب چهارگانه در سجده تلاوت قرآن و سجده شکر وضو واجب است، بر خلاف امامیه. (همان، ص ۳۸)

ج) طواف: نزد مالکیه و شافعیه و حنابله مانند نماز است که بدون طهارت صحیح نیست، به جهت حدیث شریف «الطواف فی البیت صلوء» حنفیه گفته اند: هر چند معصیت است ولی بدون وضو طواف صحیح می باشد. (همان، ص ۳۸)

شرط جواز عمل و حرام نبودن: مس نوشته در قرآن: مالکیه گفته اند: نوشتن و دست کشیدن روی جلد قرآن، گرچه با حایل باشد، جایز نیست و خواندن قرآن از روی یا حفظ جایز است. مالکیه در جایز بودن حمل آن برای نگهداری اختلاف کرده اند. حنابله گفته اند: نوشتن و برداشتن آن با حایل برای نگهداری جایز است.

شافعیه گفته اند: دست کشیدن روی جلد قرآن جایز نیست، اگر چه از قرآن جدا و در کنار آن قرار داشته باشد، ولی نوشتن و برداشتن آن برای نگهداری و دست کشیدن به آیاتی که اخیراً در اطراف جامعه ها می نگارند، جایز است.

حنفیه گفته اند: نوشتن و دست کشیدن قرآن جایز نیست، اگر چه آن نوشته به خط خارجی باشد، ولی از حفظ خواندن جایز است. (همان)

و در فقه اکثر مذاهب اهل سنت مانند شافعی، حنفی و مالکی، مس آیات قرآن که در غیر مصحف است، مانند کتب فقه و حدیث، بدون وضو اشکال ندارد. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص



نتیجه تطبیق در دو نظریه شیعه و اهل سنت: در باب موجبات و اسباب وضو، بعد از جمع بندی که در مذاهب اسلامی می توان داشت و همه مذاهب اتفاق نظر دارند که باید برای این امور وضو گرفت و به وسیله وضو داخل بر این اعمال شد، به این شرح است.

۱- نمازهای واجب و مستحب. ۲- طواف خانه خدا. ۳- دست کشیدن روی نوشته های قرآن. (مغنیه، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، ص ۳۸)

آداب وضو در فقه امامیه: هر امر و کاری برای شروع آداب و سنت هایی دارد که با انجام دادن هر یک از آداب، آن کار با نتیجه و کیفیت بهتری انجام می گیرد و در بین مذهب شیعه، فقها و ائمه بزرگوار آدابی قرار داده اند.

معنای سنت ها و مستحبات وضو: امامیه: در نظر امامیه، مستحب، سنت و مندوب مترادف اند و در نتیجه، مستحبات و مندوبات وضو، سنت های آن هم شمرده می شود ولی ترک سنت و مستحب مکروه به حساب نمی آید. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۴)

در ابتدا به پند و دستوری که امام صادق در مورد آداب وضو فرموده اند می پردازیم و بعد سنت های وضو امامیه را مرور می کنیم.

امام صادق می فرمایند: «هنگامی که خواستی وضو بگیری، به نزدیک آب برو تا تو را به سوی رحمت خود ببرد که خداوند آن را کلید قرب و مناجاتش و نشانی به سوی بساط خدمتش قرار داد، و هم چنان که رحمتش گناهان بندگان را پاک می کند، همین طور پلیدی های ظاهری را آب پاک می کند نه چیز دیگر.» (ملکی تبریزی، اسرار الصلوه، حسن زاده و خلیلی، ص ۴۰)

سنت های وضو در نزد امامیه زیادند، از جمله:

۱- استعاذه (گفتن اعوذ بالله من الشیطان الرجیم).



۲- تسمیه و بسم الله گفتن؛ در این باب اخبار بسیاری رسیده، از جمله عیص بن قاسم از ابی عبدالله روایت کرده که فرمود: هر کس نام خدا را بر وضوی خود برد، گویا که غسل کرده است. (ر.ک: ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، غفاری و دیگران، ص ۵۱؛ موسوی غروی، فقه استدلالی، غروی، ص ۷۷)

و هم چنین پیامبر فرموده اند: کسی که وضو بگیرد و بسم الله بگوید، تمام بدنش پاک می شود. (ر.ک: الکاشانی، محجه البیضاء، ج ۱، ص ۲۹۹ و ۳۰۰)

۳- دعا گفتن؛ زراره از ابی جعفر روایت کرده که گفت: هرگاه دست را در آب نهادی (برای وضو)، بگو به نام خدا و با تکیه بر خدا، خداوندا مرا از توبه کنندگان قرار ده و مرا از پاکیزگان قرار ده. پس وقتی فارغ شدی بگو ستایش مخصوص پروردگار عالمیان است. (ر.ک: طوسی، تهذیب الاحکام، ص ۵۱) و هم چنین دعای مأثور در آغاز خواندن و هنگام انجام دادن هر یک از اعمال وضو (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَالْإِسْلَامَ نُورًا).

۴- تلفظ به نیت.

۵- رو به قبله ایستادن در هنگام وضو.

۶- شستن دست ها قبل از وضو. ۷- سه بار مضمضه کردن. ۸- سه بار استنشاق. ۹- مسواک کردن. ۱۰- دو بار شستن صورت و دست ها؛ در مرتبه اول شستشو، مرد از پشت آرنج و زن از جلوی دست شستشو را شروع کند و در مرتبه دوم، مرد از جلوی دست و زن از پشت آرنج شستن را آغاز کند. (ر.ک: طوسی، تهذیب الاحکام، ص ۵۱)

۱۱- مصرف آب بیش از یک مد نباشد. ۱۲- اگر از ظرف وضو می گیرد، آن را سمت راست خود قرار دهد. ۱۳- آب را دست راست بریزد، هر چند برای شستن دست راست بریزد. سپس در دست چپ و بعد بر دست راست بریزد. ۱۴- آب را بر قسمت بالای عضو بریزد. ۱۵- آب را بر عضو بریزد، نه عضو را در آب فرو برد. ۱۶- برای شستن، دست را بر اعضا بکشد، هر چند بدون کشیدن



دست، شسته شود. ۱۷- هنگام شستن صورت، چشم‌ها را باز بگذارد. ۱۸- تمام اعمال وضو را با حضور قلب انجام دهد. ۱۹- هنگام وضو «سوره قدر» بخواند. ۲۰- پس از وضو «آیه الکرسی» بخواند. (طباطبایی یزدی، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ترجمه قمی، ج ۱، ص ۹۹ و ۱۰۰، فصل فی بعض مستحبات الوضو.)

آداب وضو در فقه اهل سنت

در مذاهب چهارگانه اهل سنت هم آداب و سنت‌هایی برای وضو قرار داده‌اند.

معنای سنت‌ها و مستحبات وضو در مذاهب چهارگانه:

حنبلیه: سنت، مندوب و مستحب الفاظ مترادف‌اند و به کاری می‌گویند که انجامش دارای ثواب است ولی ترک آن عقوبت ندارد. گرچه سنت به مؤکد و غیر مؤکد تقسیم می‌شود، ترک سنت مؤکد مکروه است ولی ترک غیر مؤکد مکروه نیست.

حنفیه: سنت به مؤکد و غیر مؤکد تقسیم می‌شود؛ سنت مؤکد آن واجبی است که نسبت به فرض اهمیت کم تری دارد و فرض عملی است، یعنی در عمل با آن معامله فرض می‌شود و ترک آن گناه دارد و عقوبت آن، محرومیت از شفاعت است اما سنت غیر مؤکد همان مستحب و مندوب است و ترک آن عقاب ندارد.

شافعیه: سنت، مندوب و مستحب و تطوع الفاظ مترادف‌اند و به اموری می‌گویند که مطلوب است و ثواب دارد. سنت تقسیم می‌شود به سنت عینی و سنت کفایی. سنت کفایی مانند تسمیه (بسم الله گفتن)، در صورتی که گروهی مشغول خوردن غذا می‌باشند.

مالکیه: سنت و مندوب فرق دارد؛ سنت را شارع طلب کرده و بر آن تأکید ورزیده است، در حالی که دلیلی بر وجوب آن نیست اما مندوب را شارع خواسته لیکن بر آن تأکید نکرده است.

یادآوری: به نظر اهل سنت، چون ترک سنت، حرمان از ثواب را در پی دارد، شایسته نیست سبک



شمرده شود، چون حرمان از ثواب هم نوعی عقوبت است. (ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، صص ۶۱ و ۶۲).

سنت های مذاهب اهل سنت بسیار است، از جمله:

۱- وقتی دست را درون آب می کنی، نام خدا بگویی. «بسم الله و بالله و علی مله رسول الله» چنان که پیغمبر گفت. ۲- رو به قبله ایستادن در هنگام وضو. ۳- سه بار شستن کف دو دست قبل از شستن صورت.

۴- سه بار مضمضه و آب در دهان کردن. ۵- سه بار استنشاق و آب در بینی کردن؛ حنابله این سه مورد را واجب دانسته اند. (مغنیه، فقه تطبیقی، پورجوادی، ص ۴۲) ۶- مسواک کردن. ۷- سه بار شستن هر یک از اعضای وضو. ۸- موی سر را با انگشتان دست و پای خلال کنی. ۹- شستن دست راست و پای راست پیش از دست و پای چپ. ۱۰- قسمتی از زیر مرفقین و کعبین را شستن. ۱۱- سه بار مسح کردن. ۱۲- تمام سر را مسح کردن. ۱۳- مسح کردن گوش با آب جدید و نو که برمی دارید و هم چنین حنابله این مورد را واجب دانسته اند. ۱۴- مسح کردن گردن. ۱۵- اسراف نکردن آب در هنگام وضو، هر چند لب جوی باشد. و در روایت آمده هر کسی که در آخر شستن دست و صورت بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» گناهان وی بریزد. (ر.ک: شاهفور بن طاهر، اسفراینی، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، ج ۲، ص ۵۶۶)

نتیجه تطبیق در دو نظریه شیعه و اهل سنت

بعد از بیان مستحبات و آداب وضو در بین مذاهب اهل سنت و مذهب شیعه، هر کدام آدابی داشتند در ابتدا و خلال وضو اما در بین این مذاهب اسلامی اتفاق نظری هم در مورد آداب وجود دارد، از جمله: ۱- تسمیه و بسم الله گفتن. ۲- شستن دست ها قبل از وضو. ۳- مضمضه. ۴-



استنشاق. ۵- مسواک زدن. ۶- دعا خواندن در اثنای وضو یا بعد از آن. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۵)

شرایط وضو در فقه امامیه: شرایط مورد لزوم وضو در فقه امامیه به این ترتیب است که: هر یک از اعمال عبادی جهت محقق شدن و فعلیت یافتن دارای شرایط و مقدماتی است که با رعایت هر یک از شرایط، آن عبادت مورد صحت و قبول خواهد بود. پس در مورد وضو به عنوان یک فعل عبادی در فقه امامیه شرایط زیر بنابر فتاوی امام خمینی(ره) بیان می شود:

شرایط آب و ظرف وضو: ۱- آب وضو پاک و مطلق باشد(نجس و مضاف نباشد): وضو گرفتن با آب نجس و مضاف باطل است، خواه انسان بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند یا فراموش کرده باشد. (موسوی خمینی، توضیح المسائل، م ۲۶۵، ص ۲(۵۱) - آب وضو باید مباح باشد (غصبی نباشد). بنابراین در موارد زیر باطل است:

وضو گرفتن با آبی که مالک آن راضی نیست(راضی نبودن او معلوم است). آبی که معلوم نیست مالک آن راضی است یا نه. وضو گرفتن با آبی که وقف افراد خاصی است؛ مانند حوض برخی از مدارس و وضوخانه بعضی از هتل ها، مسافرخانه ها و ... (همان)

اما: وضو گرفتن از نه‌های بزرگ گرچه انسان نداند صاحبان آن ها راضی هستند یا نه، اشکال ندارد ولی اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که وضو نگیرند. (همان، م ۲۷۱، ص ۵۲)

۳- ظرف آب وضو مباح باشد. ۴- ظرف آب وضو از طلا و نقره نباشد. (همان، شرایط صحیح بودن وضو)

شرایط اعضای وضو: بنابر فتاوی امام خمینی(ره) اعضای وضو باید:

۱- پاک باشد: اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد. اگر در بین وضو جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است؛ مثلاً هنگامی که موقع شستن دست ها است،



صورت وی نجس شود. اگر غیر اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است ولی اگر مخرج بول و غائط را تطهیر نکرده، بهتر است که ابتدا آن را تطهیر کند و سپس وضو بگیرد. (همان، م ۲۷۶ و ۲۷۷، ص ۵۳.)

۲- مانعی از رسیدن آب در آن نباشد. اگر پس از گچکاری و مانند آن، چیز سفیدی که از رسیدن آب به پوست جلوگیری نمی کند بر دست بماند یا ظاهر شود، اشکالی ندارد ولی اگر مانع رسیدن آب است یا شک دارد که با بودن آن ها آب به پوست می رسد یا نه، باید آن ها را برطرف کند. (همان، م ۲۹۴، ص ۵۶) خطوط قلم خودکار و لکه های رنگ و چربی و کرم در صورتی که رنگ بدون جرم باشد، مانع وضو نیست ولی اگر جرم داشته باشد (روی پوست را گرفته)، باید برطرف شود. خالکوبی هایی که روی پوست را نمی گیرد (جوهر است) و مانع از رسیدن آب به پوست نیست، برای وضو اشکال ندارد. (همان.)

ج) شرایط کیفیت وضو

ترتیب: کارهای وضو باید به ترتیب اعمال وضو انجام شود. اگر ترتیب اعمال وضو به هم بخورد وضو باطل است، حتی اگر پای چپ و راست را هم زمان مسح کند. (همو، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹، م ۱۳)

به فتوای برخی دیگر از فقها مسح هم زمان پاها اشکال ندارد.

موالات: یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است ولی اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، وضو صحیح است. (همان، ص ۳۰، م ۱۵؛ ر.ک: موسوی خمینی، توضیح المسائل، م ۲۸۳، ص ۵۴) راه رفتن بین وضو اشکال ندارد، پس اگر پس از شستن صورت و دست ها چند قدم راه برود (به



قدری که موالات به هم نخورد) و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است. (موسوی خمینی، توضیح المسائل، م ۲۸۵، ص ۵۴)

مباشرت و از دیگران کمک نگرفتن: کسی که می تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از

دیگری کمک بگیرد. پس اگر دیگری صورت و دست او را بشوید یا مسح او را انجام دهد، وضوی او باطل است ولی اگر دیگری آب را در دست وی بریزد و وضو گیرنده خودش آن را بر اعضا می ریزد و می شوید، وضو باطل نیست ولی اینگونه کمک گرفتن مکروه است. (طباطبایی یزدی، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ترجمه قمی، ج ۱، ص ۱۳۳)

کسی که نمی تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد ولی خود او باید نیت وضو کند. به نظر برخی دیگر از مراجع، نایب نیز باید نیت وضو کند.

کسی که در وضو از دیگری کمک می گیرد، هر کدام از کارهای وضو را که می تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن عمل کمک بگیرد. کسی که دیگری را وضو می دهد، در مسح باید دست او را بر سر و پاهایش بکشد، مگر آن که ممکن نباشد که در آن صورت باید از دست او رطوبت بگیرد و با دست خود، مسح او را انجام دهد و چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید. (موسوی خمینی، توضیح المسائل، م ۲۸۶ و ۲۸۷، ص ۵۵)

شرایط وضو گیرنده

۱- استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد. کسی که می داند اگر وضو بگیرد بیمار می شود یا می ترسد که بیمار شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است و کسی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است. (طباطبایی یزدی، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ترجمه قمی، ج ۱، ص ۱۱۴ و ۱۱۵)

۲- با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند). وضو باید به قصد قربت انجام شود، یعنی برای انجام دادن



فرمان خداوند عالم وضو بگیرد، لازم نیست که نیت را بر زبان آورد یا از قلب خود بگذراند بلکه همین مقدار که می داند وضو می گیرد کافی است، به طوری که اگر از او بپرسند چه می کنی؟ بگوید: وضو می گیرم. (موسوی خمینی، توضیح المسائل، م ۲۸۲، ص ۵۴).

۳- وسعت وقت داشته باشد. فقهای امامیه در تنگی وقت وضو گرفتن را جایز نمی دانند و می گویند به جای وضو باید تیمم کرد. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۲)

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد تمام نماز یا قسمتی از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۰۱)

شرایط وضو در فقه اهل سنت: در بین مذاهب چهارگانه نیز برای وضو شرایطی قائل شده اند و فقهای اهل سنت به آن ها استفتا و فتوا داده اند. از جمله:

شرایط آب و ظرف وضو: ۱- آب وضو باید مطلق و پاک باشد. ابوحنیفه وضو با نیبذ خرما را در سفر مجاز شمرده ولی سایر حنفی ها در این فتوا از او پیروی نکرده اند. (الکاشانی، بدائع الصانع، ج ۱، ص ۴۵، رک: ابن رشد، بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۳۰)

۲- اهل سنت بر خلاف نظر امامیه، وضو با آب و ظرف غضبی را جایز شمرده اند و مبطل وضو ندانسته اند در صورتی که غضب را حرام می دانند. (رک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، صص ۴۹-۴۶)

۳- فقه اهل سنت بر خلاف فقه امامیه معتقدند ظرف آب وضو از جنس طلا و نقره موجب بطلان وضو نمی شود و اگرچه استعمال ظرف طلا و نقره را جایز نشمرده و حرام می دانند. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۲)

شرایط اعضای وضو: ۱- غضبی نبودن مکان وضو: اهل سنت گرچه غضب را حرام می دانند ولی با غضبی بودن مکان، وضو صحیح اما برای وضو گیرنده گناه محسوب خواهد شد. (رک: الشیرازی، شرح المذهب، ج ۱، ص ۲۵۱) ۲- نبودن مانع و حایلی که مانع رسیدن آب به پوست شود. اهل



سنت اتفاق دارند که در اعضای وضو نباید هرگونه حایلی وجود داشته باشد که آن مانع از انجام وضو می شود.

شرایط کیفیت وضو

ترتیب: طبق نظر فقهای مذاهب شافعیه و حنابله ترتیب شستن اعضای وضو از صورت تا مسح پاها باید به ترتیب انجام شود و آن واجب و شرط صحت وضو است. اما مذاهب حنفیه و مالکیه گفته اند: ترتیب واجب نیست و جایز می دانند که از دو پا شروع و به صورت ختم شود. (مغنیه، فقه تطبیقی، پورجوادی، ص ۴۰)

موالات: در بین مذاهب اهل سنت در مورد پشت سر هم و فاصله نینداختن بین اعمال وضو اختلافاتی دارند: حنابله پی در پی شستن اعضا را واجب می دانند و باید شستن فوراً انجام شود.

حنفیه و شافعیه گفته اند: پی در پی واجب نیست، ولی مکروه است که بدون عذر بین شستن اعضا جدایی افتد و با داشتن عذر، کراهت برطرف می شود.

مالکیه اعتقاد دارند: اگر وضو گیرنده متوجه باشد، موالات واجب است و چیزی که در خیال او بوده پیش نیاید، مانند این که صورت خود را شست و از دو دست غافل بود. (همان، ص ۴۱)

مباشرت و کمک نگرفتن از دیگران در اعمال وضو: اهل سنت تصریح به این شرط ندارد و عده ای مانند شافعی ها و حنبلی ها کمک گرفتن را جایز شمرده اند. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۳۲)

شرایط وضو گیرنده: ۱- ناتوان نبودن از استعمال آب به خاطر بیماری: اهل سنت تصریح دارند که شخصی که ناتوان است یا بیماری دارد که نتواند استعمال آب کند، برای اعمال عبادی خود از وضو استفاده نمی کند و به جای آن تیمم می کند. ۲- در مورد وسعت وقت اهل سنت بر خلاف فقه امامیه معتقدند حتی در تنگی وقت باید وضو گرفت و چنانچه در بحث تیمم آمده، تیمم در



تنگی وقت جایز نیست مگر در موارد خاص. (همان)

نتیجه تطبیق در دو نظریه شیعه و اهل سنت

با توجه به شرایط وضو در بین مذاهب اهل سنت و مذهب اهل شیعه که هر کدام از این فرقه‌ها و مذاهب شرایطی و مقدماتی را برای وضو در نظر گرفته‌اند اما در بعضی از شرایط اتفاق نظر دارند، از جمله:

۱- مطلق بودن آب. ۲- پاک بودن آب. ۳- نبودن مایع و حایلی که مانع رسیدن آب به پوست بدن شود.

۴- ناتوان نبودن از استعمال آب به خاطر بیماری و مانند آن. (همان، ص ۱۳۱) و در مورد شرایط زیر بین مذاهب اسلامی اختلاف نظر وجود دارد: ۱- طلا و نقره بودن یا نبودن ظرف آب وضو. ۲- مباشرت و کمک گرفتن از دیگران. ۳- وسعت وقت. ۴- غصبی بودن یا نبودن آب و ظرف وضو.

نواقض وضو در فقه امامیه

فقه‌های شیعه در مذهب امامیه بر این اعتقادند که وضوی انجام گرفته ممکن است به وسیله عوامل، نقض و باطل شود. پس به فتوای فقه‌های امامیه (اکثراً فتوای امام خمینی(ره)) به بررسی این عوامل می‌پردازیم.

نواقض وضو بسیارند، از جمله:

بول، غائط، باد معده و روده: امامیه معتقد هستند ادرار، مدفوع و باد معده، اگر از محل معمول و عادی خارج شود، موجب بطلان و نقض وضو می‌شود. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۹۹ و ۱۰۰؛ ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، صص ۷۲ و ۷۳؛ ر.ک: السید سابق، فقه السنه ج ۱، ص ۳۸)

و هم چنین امامیه گفته‌اند: بیرون آمدن کرم و ریگ و خون و چرک، اگر به کثافات معده ملوث

شده باشد، وضو را باطل و آلاً آن را باطل نمی‌کند. (مغنیه، فقه تطبیقی، ص ۳۵)



مذی و ودی: امامیه معتقدند: بیرون آمدن مذی و ودی موجب بطلان وضو نمی شود.

یادآوری: مذی مایعی است که هنگام ملاعبه و لذت خارج می شود و ودی مایعی است که بیشتر پس از ادرار بیرون می آید.

امور زایل کننده عقل: امامیه معتقدند: دیوانگی، بیهوشی و مستی که عقل را از بین می برند، ناقض وضو هستند. (همان.)

خواب غالب بر چشم و گوش: امامیه گفته اند: خواب اگر بر قلب و گوش و چشم به طوری غلبه کرد که شخص خوابیده سخن حاضرین را نشنود و نفهمد و کسی را نبیند، اعم از این که دراز کشیده و یا ایستاده یا نشسته بخوابد، به پهلوی یا در حال راه رفتن، کم باشد یا زیاد، جزء نواقض وضو است. بنابراین چرت زنی که به این حد از خواب نرسد، وضو را باطل نمی کند.

(طباطبایی یزدی، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ترجمه قمی، ج ۱، ص ۶۱)

به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: معنای آیه «اذ قتمت الی صلوء.....» چیست؟ حضرت فرمود: «یعنی هرگاه از خواب برخاستید. «عرض کردم: خواب وضو را باطل می کند؟ فرمود: «هرگاه بر گوش غالب آید و صدا را نشنود. «لذا فقهای شیعه بر اساس تفسیر آیه و تبیین امام معصوم فتوا داده اند که خواب، خود حدث و ناقض وضو است. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۶، ح ۷)

منی: امامیه گفته اند: منی موجب غسل است نه وضو.

خون استحاضه قلیله: علامه حلی از فقهای بزرگ امامیه در کتاب تذکره گوید: خون استحاضه هرگاه کم بود وضو واجب است و از نواقض است، علمای امامیه جز ابن عقیل چنین گفته اند. (مغنیه، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، ص ۳۷)

مس عورت: امامیه معتقدند: دست زدن به عورتین (قُبُل یا دُبُر) مطلقاً برای زنان و مردان موجب



نقض وضو نیست، چه تعمداً یا در حال فراموشی باشد. از فقهای امامیه، شیخ صدوق مس باطن قُبُل (برای مردان) و دُبُر با انگشتان را ناقض وضو شمرده است. (ر.ک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۱۱-۱۰۷؛ ر.ک: الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، صص ۷۹-۷۷؛ ر.ک: السید سابق، فقه السنه، ج ۱، ص ۲۹؛ ر.ک: طوسی، الخلاف، ج ۱، صص ۲۲ و ۲۳)

لمس: امامیه گفته اند: لمس بدن دیگری، مطلقاً موجب بطلان وضو نیست، این راجع به لمس زن است. (مغنیه، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، ص ۳۶)

استفراغ: امامیه معتقدند: قی و استفراغ وضو را باطل نمی کند. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۱۲)

خون و قیح (چرک): امامیه معتقدند: خروج خون و قیح (چرک) از غیر مخرج بول و ادرار ناقض وضو نیست. (همان.)

قهقهه (خنده صدا دار): امامیه گفته اند: خنده با صدای بلند نماز را باطل می کند ولی وضو را در صورتی که داخل نماز یا خارج آن باشد، باطل نمی کند. (مغنیه، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، ص ۳۷)

ارتداد و خوردن گوشت شتر: مذهب امامیه معتقدند: ارتداد و خوردن گوشت شتر ناقض وضو نیست. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۳)

امامیه معتقدند آن چه سبب غسل شود، مانند جنابت و مس میت نیز باطل کننده وضو است. (موسوی خمینی، توضیح المسائل، م ۳۲۲، ص ۶۰)

بنابراین برخی از فقهای شیعه حکم به استحباب وضو پس از مذی و ودی و قی و بوسیدن از روی شهوت و مس فرج و مس باطن دُبُر و خندیدن در نماز کرده اند. (طباطبایی یزدی، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ترجمه قمی، ج ۱، مسأله ۴، ص ۱۸۵)

به نظر می رسد این حکم مبنی بر قاعده تسامح در ادله سنن است و لذا مشهور فقها انجام وضو



در موارد مذکور را به رجا مطلوبیت پذیرفته اند ولی حکم به استحباب نکرده اند.

نواقض وضو در فقه اهل سنت

در مذاهب چهارگانه اهل سنت برای نواقض وضو، فتاوا و موارد زیر را صادر کرده و معتقد هستند. نواقض و باطل کننده های وضو عبارتند از:

ادرار، مدفوع و باد معده و روده: در چهار مذهب اهل سنت بر این باورند که ادرار، مدفوع و

باد معده و روده، اگر از محل معمول و عادی خارج شود، موجب بطلان و نقض وضو می شود. و از نظر شافعیه و حنفیه و حنبله، بیرون آمدن کرم و ریگ و خون و چرک نیز وضو را باطل می کند و مالکیه گفته اند: اگر این ها از معده به وجود آمده باشد، باطل نمی کند و هرگاه در آن به وجود نیامده، مانند این که سنگ خورده و از مخرج بیرون آمده، باطل می کند. (مغنیه، فقه تطبیقی، کازم پورجوادی، ص ۳۵)

مذی و ودی: نزد مذاهب چهارگانه مذی و ودی وضو را باطل می کند و مالکیه استثنا کرده اند

که اگر کسی عادت به بیرون آمدن مذی داشته باشد، وضو را باطل نمی کند. (همان)

خواب غالب بر چشم و گوش: مذاهب چهارگانه معتقدند: رفتن عقل، چه از مستی و یا جنون

یا بیهوشی یا اغما باشد، وضو را باطل نمی کند. ولی مذاهب چهارگانه در مورد خواب نظرات گوناگون دارند، از جمله:

حنبلیه: خواب ناقض وضو است، در هر حالتی که باشد، جز آنجا که از نظر عرف، خواب سبک و

در حال نشسته یا ایستاده باشد. (جعفری‌پیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۰)

حنفیه: خواب ناقض وضو نیست، مگر آن گاه که به پهلو یا به پشت خوابیده باشد، به گونه ای که

کنترل نداشته باشد یا خواب نشسته ای که یک پا را از زیر بدن خارج نماید و بر یک پا تکیه کند.

(ر.ک: الجزیری، الفقه علی مذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۸۰)



چنان چه ملاحظه می شود در مذهب حنفیه «حالات و نحوه خوابیدن»، در حکم به بطلان وضو و عدم حکم به بطلان، نزد آنان مؤثر است، زیرا «خواب» در نظر آنان موضوع حکم نیست بلکه «حالتی که موجب بروز حدث است» موضوع حکم است.

به طور کلی در مذهب حنابله و حنفیه گفته اند: اگر شخصی که وضو دارد دراز بکشد یا به کسی تکیه کند یا به یکی از دو پایش تکیه کند و بخوابد، وضویش باطل است و هم چنین هرگاه نشسته یا ایستاده یا در حال رکوع یا در حال سجود بخوابد، وضویش باطل نیست، پس اگر کسی در یکی از حالات نماز بخوابد وضویش باطل نمی شود، اگرچه خوابش طول بکشد. (مغنیه، فقه تطبیقی، ص ۳۶)

شافعیه: خود خواب ناقض وضو است، اگر به پهلو یا پشت خوابیده باشد، گرچه یقین داشته باشد که حدثی دیگر از او صادر نشده است. (ر.ک: الجزیری، الفقه علی مذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۸۰)

مالکیه: مذهب مالکیه بین خواب سبک و سنگین فرق قائل شده اند. هرگاه خواب سبک باشد یا وضو دار به خوابی سنگین و کوتاه برود، در صورتی که مخرج او بسته باشد، وضو باطل نمی شود ولی هرگاه خواب سنگین و طولانی بوده، خواه مخرج بسته یا باز باشد، وضو باطل است. (مغنیه، فقه تطبیقی، ص ۳۶)

بنابراین فقهای مالکی در حالات شخص خوابیده تفصیل نداده اند بلکه در خود خواب تفصیل قائل شده اند.

امور زایل کننده عقل: مذاهب چهارگانه دیوانگی، بیهوشی و مستی که عقل را از بین می برند، ناقض وضو می دانند.

استحاضه قلیله: فقهای مذاهب عامه در بحث نواقض وضو از استحاضه قلیله نام نبرده اند بلکه از بعضی از آنها مانند مالک نقل شده که آن را ناقض ندانسته اند. اصولاً اهل سنت مستحاضه را



هم چون مسلوس و مبطون از ذوی الأعدار دانسته اند که در اکثر موارد عبادات مشروط به طهارت برای آنان طهارت شرط نیست. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۰).

۶- مس عورت:

حنابله: مس عورتین خود یا دیگری، زن یا مرد، چه با کف یا پشت دست باشد، ناقض وضو است.

حنفیه: مس عورت ولو از روی شهوت ناقض وضو نیست لیکن اگر زن، انگشت، پنبه و مانند آن را داخل فرج خود کند، وضویش باطل می شود.

شافعیه: مانند حنبلیه گفته اند مس عورتین خود یا دیگری، زن یا مرد، اگر با باطن و کف دست باشد، ناقض وضو است. (همان، ص ۱۲۱).

مالکیه: مالکیه برای نقض شرایطی قائلند:

۱- متصل باشد نه مقطوع ۲- از خود باشد نه از غیر ۳- مس کننده بالغ باشد. ۴- دست زدن زن به فرج خود ولو به فرو بردن انگشت و لمس حلقه دُبر، مطلقاً وضو را باطل نمی سازد. ۵- لامس قصد لذت کند یا بدون قصد متلذذ شود. ۶- مظنه شهوت در ملموس باشد، لذا در نزد مالکیه لمس صغیره و عجزوزه ناقض نیست.

۷- لمس دست به مو وضو را باطل می کند اما عکس آن ناقض نمی باشد. (شیخ الاسلام، کتاب راهنمای مذهب شافعی، ج ۱، ص ۲۷) هم چنین از مالکیه روایتی است که اگر مس با کف دست باشد ناقض وضو است ولی اگر با پشت دست باشد باطل نیست. (مغنیه، فقه تطبیقی، پورجوادی، ص ۳۶)

لمس: حنابله: لمس بدن زن توسط مرد و بالعکس، محرم باشد یا اجنبی، اگر بدون حایل باشد، ناقض وضو است. (جعفرپیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۲)

حنفیه: هم چون امامیه معتقدند لمس موجب نقض وضو نیست، مگر این که مرد آلت خود را بر فرج زن قرار دهد یا مذی خارج شود، (همان.) یا اگر لمس با بلند شدن آلت باشد وضو باطل است.



(مغنیه، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، ص ۳۶)

شافعیه: چنان چه شخص با وضو زن نامحرم را بدون حایل لمس کند، ولو بدون لذت و شهوت لمس کند، وضویش باطل است و اگر زن نامحرم نباشد، مانند مادر و خواهر، وضویش باطل نمی شود. (همان.)

مالکیه: اگر لمس بدون حایل و از روی لذت باشد، ولو مو را لمس کند، وضو باطل می شود. فرقی نمی کند کسی که لمس می شود اجنبی باشد یا زوجه، زن باشد یا مرد و بوسیدن از مصادیق لمس است، مگر بوسیدن برای وداع باشد یا از روی رحمت. (رک: مطهر اسدی، علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۱۲.)

استفراغ: حنابله: قی هر گونه که باشد ناقض وضو است. **حنفیه:** استفراغ اگر دهان را پر کند موجب بطلان وضو است.

شافعیه و مالکیه: هم چون امامیه استفراغ ناقض وضو نیست. (جعفری‌بیشه فرد، درآمدی بر فقه مقارن، ص ۱۲۲.)

خون و قیح: شافعیه و مالکیه: خروج خون و قیح (چرک) از غیر منخرج بول و ادرار، ناقض وضو نیست.

حنابله: خروج خون و قیح از غیر منخرج بول و ادرار، اگر زیاد باشد، ناقض وضو است.

حنفیه: خروج خون و قیح از غیر منخرج بول و ادرار، اگر از محل تجاوز کند، ناقض وضو است. (همان.)

قهقهه: مذاهب چهارگانه (جز حنفیه): قهقهه مطلقاً ناقض وضو نیست.

مذهب حنفیه: قهقهه در اثنای نماز ناقض وضو است ولی در خارج نماز وضو صحیح است.



ارتداد و خوردن گوشت شتر:

حنابله: ارتداد و خوردن گوشت شتر ناقض وضو است.

حنفیه: ارتداد و خوردن گوشت شتر ناقض وضو نیست.

شافعیه: خوردن گوشت شتر ناقض وضو نیست و ارتداد هم فی نفسه ناقض وضو نیست، مگر این که مرتد مسلوس باشد.

مالکیه: ارتداد ناقض وضو است ولی خوردن گوشت شتر وضو را باطل نمی کند. (همان)

منی: نزد حنفیه، حنابله، مالکیه: با بیرون آمدن منی وضو باطل می شود.

شافعیه: با بیرون آمدن منی وضو باطل نیست. (همان.)

نتیجه تطبیق دو نظریه شیعه و اهل سنت

جمع بندی که در باب نواقض وضو از نظر مذاهب اسلامی می توان انجام داد، به شرح زیر است:

نواقض مورد اتفاق تمامی مذاهب اسلامی: ۱- ادرار ۲- مدفوع ۳- باد معده ۴- زوال عقل

نواقض در نظر امامیه: ۱- نوم ۲- استحاضه قلیله

نواقض مشترک میان تمامی یا اکثریت اهل سنت: ۱- مزی و ودی ۲- مس عورت ۳-

لمس

نواقض مخصوص در نظر برخی از مذاهب اهل سنت: ۱- استفراغ ۲- خون و قیح ۳-

قهقهه ۴- ارتداد ۵- خوردن گوشت شتر ۶- منی (طباطبایی یزدی، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی،

ترجمه قمی، ج ۱، مسأله ۴، ص ۱۸۵)





نتیجه بحث

در این مجموعه، به صورت مختصر، مطالبی از آرا و فتاوای مهم و کلیدی مذاهب چهارگانه اهل سنت در مقایسه با مذهب اهل بیت: و در پایان هر مبحث، نتیجه و تطبیق نیز بیان شده است. این مباحث به شرح ذیل است:

- تعریف و مفهوم و فلسفه وضو.

- تاریخچه وضو.

- واجبات وضو.

- اسباب وجوب و آداب وضو.

- شرایط وضو.

- نواقض وضو.

از مجموع بررسی و مقایسه مباحث فقهی سنی و شیعه و مذاهب مختلف اسلامی، روشن می شود که اصول و امهات آرا و فتاوا بسیار به یکدیگر نزدیک است. به این صورت که تمامی مذاهب اهل سنت و مذهب تشیع، بر تعریف و مفهوم وضو و مواضع اعضا وضو اتفاق نظر دارند و جایگاه و مواضع وضو را همان مواضع گفته شده قرآن و روایات می دانند.

ولی در کیفیت و احکام وضو، تفاوت هایی دارند و شاید تفاوت های فقهی وضوی مذاهب چهارگانه اهل سنت، چندان کم تر از اختلاف ایشان با مذهب امامیه نباشد.

بلکه گاهی تفاوت عمیق میان این مذاهب، در مسأله مورد نظر، برخی از آن ها را به امامیه بسیار نزدیک می کند.



این حقایق روشن که با پژوهش به دست آمده، نشان می دهد که امت اسلامی، به عنوان امتی واحد، می تواند در بسیاری از امور فقهی از جمله در مورد مسأله آیه وضو که صریح قرآن است، با برطرف کردن اختلافات و قبول اشتراکات، آن ها را به اهداف دین اسلام نزدیک تر کند و حقیقتاً با اتحاد در عقاید خود، به رشد و بالندگی بیشتر جوامع اسلامی کمک کنند و به خیزش اسلامی معاصر که در دهه های اخیر، آغاز شده، شتاب بیشتری بدهند و عقب ماندگی های مسلمانان را جبران کنند و دست استکبار، کفر و شرک را کوتاه و دیو کینه و دشمنی و شیطان و تفرقه و جدایی را برای همیشه در میان خود بسوزانند. به امید آن روز...



منابع

* قرآن کریم،

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، قم، کتابفروشی طوس، چاپ دوم، ۶۳.
۲. (.....)، (.....)، من لایحضره الفقیه، علی اکبر غفاری و دیگران، تهران، صدوق، بی تا.
۳. ابن رشد، محمد بن احمد، بدایه المجتهد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱.
۴. ابن زهره، سید ابوالکارم، فقه استدلالی، سید مهدی انجوی نژاد، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۷۴.
۵. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المقنع (فقه حنبلی)، بیروت، المصادر فقهیه، ۱۴۲۲.ق.
۶. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، اعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶.
۷. احمد بن حنبل، کنز العمال، بیروت، دار المصادر، بی تا.



۸. اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، تهران، علمی و فرهنگی، ۷۵.
۹. جبران، مسعود، الرائد، رضا انزابی نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۷۶.
۱۰. الجزیری، عبد الرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۴ ه.ق.
۱۱. جعفریپیشه فرد، مصطفی، درآمدی بر فقه مقارن، تهران، معاونت امور روحانیون، ۸۸.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البیت، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۴. سقا، مصطفی و دیگران، سنن النبی در ترجمه فارسی، تهران، انتشارات ایران، ۶۳.
۱۵. سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تهران، نشر نور، ۸۰.
۱۶. السید سابق، فقه السنه، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۹ ه.ق.
۱۷. شافعی، ابی عبدالله محمد بن ادیس، الامر، بیروت، بی نا، ۱۴۲۲ ه.ق.
۱۸. شهرستانی، سیدعلی، وضوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، حسین صابری، قم، عروج اندیشه، ۷۷.
۱۹. شیخ الاسلام، سید محمد، کتاب راهنمای مذهب شافعی، تهران، دانشگاه تهران، ۶۳.
۲۰. الشیرازی، ابراهیم بن محمد، شرح المذهب، بیروت، بی نا، ۱۴۲۲.
۲۱. طاهری، احمدعلی، وضوی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۸۷.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، اسلامی، چاپ پنجم، ۷۴.



۲۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، غایه القصوی در ترجمه العروه الوثقی، ترجمه عباس قمی، قم، صبح پیروزی، ۱۳۸۱.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷.
۲۵. (.....)، (.....)، الخلافا، تهران، بی نا، ۷۷.
۲۶. (.....)، (.....)، النهایه، قم، قدس محمدی، بی تا.
۲۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۸. فخر رازی، تفسیر کبیر، بیروت، دار الاحیاء التراث، بی تا.
۲۹. فلاح زاده، محمدحسین، احکام فقهی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۸۷.
۳۰. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، ۷۸.
۳۱. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ه.ق.
۳۲. الکاغانی، علاءالدین بن مسعود، بدائع الصانع، بیروت، بی نا، ۱۴۲۲.
۳۳. الکاغانی، محمد بن مرتضی محسن، محجه البیضاء، قم، اسلامی، بی تا.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جواد مصطفوی، قم، اهل البيت، بی تا.
۳۵. مترجمان، ترجمه تفسیر طبری، تهران، طوس، چاپ دوم، ۵۶.
۳۶. مدرسی، سیدمحمدتقی، تفسیر هدایت، عبدالمحمد آیتی، بی جا، آستان قدس رضوی، ۷۷.
۳۷. مغنیه، محمدجواد، فقه تطبیقی، کاظم پورجوادی، تهران، جهاد دانشگاهی، چاپ پنجم، ۸۶.
۴۰. (.....)، (.....)، الفقه علی المذاهب الخمسه، مصطفی جباری و دیگران، تهران، ققنوس، ۷۹.



۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۷۴.
۴۲. ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا، اسرار الصلوئه، صادق حسن زاده و علی خلیلی، قم، کیش مهر، ۸۵.
۴۳. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران، آثار و نشر امام خمینی، ۱۴۲۱ ه.ق.
۴۴. (.....)، (.....)، توضیح المسائل، قم، دار العلم مفید، ۱۳۷۳.
۴۵. موسوی غروی، سید محمدجواد، فقه استدلالی، سید علی اصغر غروی، تهران، اقبال، ۷۷.

پایگاه های اینترنتی

۱. سایت: www.ldec.md.org



راهنمای اشتراک

در صورت تمایل به اشتراک فصلنامه تخصصی اسلام شناسی، اصل فیش بانکی و برگ اشتراک فصلنامه را به آدرس ذیل به صورت پستی و یا تصویر آن ها را به آدرس ایمیل is.pajohesh@yahoo.com ارسال نمایید.

بهای اشتراک سالانه: ۵۰ هزار تومان

شماره حساب: ۰۱۰۲۶۵۹۱۵۰۰۰۰۰ - بانک صادرات، به نام مقدسی - موسوی -
امین الشریعتی
یادآوری:

* لطفا هرگونه تغییر نشانی را اعلام بفرمایید.

* در صورت افزایش بهای فصلنامه، بهای اشتراک افزوده خواهد شد.

آدرس: مشهد، چهارراه لشگر، بین خیابان امام خمینی (ره) ۴۶ و ۴۸، پلاک ۸۶۶، ساختمان پژوهشکده طبقه اول، معاونت پژوهش مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

برگ اشتراک فصلنامه تخصصی اسلام شناسی

نام و نام خانوادگی: نام مشترک حقوقی:

میزان تحصیلات: متقاضی شماره های:

تعداد درخواستی از هر شماره:

شماره فیش بانکی: به مبلغ:

نشانی:

کدپستی: تلفن ثابت و همراه:

تاریخ: امضاء:

